



# خردورزی مؤمنانه

در عصر کرونا، برای امام حسین (ع)

به گونه‌ای عزاداری کنیم که عزایی نیفزاییم

دکتر مهراب صادقلیا  
دکترای جامعه‌شناسی فرهنگ و عشو  
هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

امام علی علیه‌السلام در حکمت ۱۰۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَ جَهْلَهُ؛ یعنی چه بسیاریند عالمانی که نادانی‌شان آنان را به کشتن می‌دهد. وجود دو کلمه «علم» و «جهل» در این حدیث و اینکه چگونه می‌شود یک نفر همزمان هم عالم باشد و هم جاهل، کمی برای پژوهشگران درس‌ساز شده است. برای برطرف کردن مشکل، شاید بهتر باشد که «جهل» را مفهومی مقابل «حکمت» معنا کنیم تا مقابل «علم»؛ بر این اساس معنای حدیث این خواهد شد که چه بسیاریند عالمانی که بی‌خردی‌شان آنان را به کشتن می‌دهد. البته این معنا تا اندازه‌ای با حدیثی دیگر از امام صادق علیه‌السلام همخوان است: العاَمِلُ غَلِيٌّ غَيْرَ صَبِيْهَةٍ كَالسَّائِرِ غَلِيٌّ غَيْرِ الطَّرِيقِ؛ یعنی کسی که بدون خرد، کاری را انجام دهد، مثل کسی است که در بیراهه گام برمی‌دارد. امام علی علیه‌السلام، با آن سخن خود در نهج‌البلاغه به یک منطق رفتاری مهم اشاره می‌کنند؛ منطقی که می‌گوید: برای عملی کردن دانسته‌ها لازم است که «خردمند» باشیم. در حقیقت از نظر امام علی علیه‌السلام چیزی به‌نام «مصلحت» در فاصله دانستن تا عمل کردن وجود دارد که لازم است با خردورزی و حکمت به‌دست آید. «رفتار خردمندانه» می‌گوید ممکن است هر عالمی مدّعی باشد آنچه را که فهمیده است حکم خداست؛ ولی این بُس نیست؛ برای عملی کردن حکم خدا باید واقعیت میدان عمل و مصلحت را نیز شناخت و سپس عمل کرد.

## ■ خردمندی‌تئوریک کافی نیست

به‌طور معمول وقتی حرف از رابطه «دین» و «عقل» به میان می‌آید، ذهن‌ها همه به سمت اثبات عقلانی گزاره‌های دینی می‌رود؛ یعنی همه فکر می‌کنند که توجیه عقلانی باورداشت‌هایی چون توحید، نبوت یا رستاخیز مردگان می‌تواند سازگاری دین و عقل را نشان دهد.

اندیشمندان زیادی از سر دلسوزی برای دین و دفاع عقلانی از تعالیم دینی کوشیده‌اند و گمان برده‌اند که میوه این همه تلاش، امکان تداوم سنت‌های دینی در میان جامعه امروز است. غافل از اینکه برای عقل و دین رابطه‌ای دیگر نیز می‌توان تصور کرد که اگر نادیده انگاشته شود، هر اعتقادی را که به ظاهر توجیه عقلی هم داشته باشد، عقیم خواهد کرد.

اینکه دین به معنای مجموعه‌ای از تعالیم وحیانی موجود در کتاب و سنت، عقلانی نشان داده شوند یک ضرورت امروزی است که آنها را برای گروه‌های مختلف موجه می‌کند ولی این «خردمندی تئوریک» کافی نیست. یک باور درست و سازگار با عقل، اگر نتواند در میدان عمل، خود را به ارائه‌های عقلانیت رفتاری بیاراید، پذیرش عمومی را از دست می‌دهد. یک عقیده، هر چند که با هزار توجیه عقلانی، موجه نشان داده شود ولی در مقام اجرا و عمل نتایج زیانباری داشته باشد، یا به گونه‌ای زیانبار و غیرعقلانی اجرا شود، از کشش لازم برای دیگران برخوردار نیست.

بر این اساس وقتی که از «خردمندی» حرف

می‌زنیم و عقلانیت را در توصیف دین و مؤمنان به کار می‌بریم، باید بدانیم که این عقلانیت هم به باورداشت‌ها معطوف است و هم به رویه‌ها و رفتارها؛ و از قضا آنقدر که قرآن و سنت بر «خرد» از نوع «رفتاری» تأکید کرده‌اند، بر خردمندی از سنخ داشتن باورداشت‌های سازگار با عقل تأکید نکرده‌اند. این در حالی است که جهان امروز بیش از جهان دیروز بر «عقلانیت رفتاری» تکیه دارد. در دنیای جدید مردم از فهم یا فهم‌های مختلف یا درستی و نادرستی گزاره‌های دینی یا خردمندانه بودن و نبودن

آنها کمتر سخن می‌گویند. آنان اغلب از «سودمندی و کارگشا بودن» آنچه به‌عنوان دین به آنان تعلیم داده می‌شود سخن می‌گویند تا از «عقل‌پذیری» آنها. این رویه معمول مردم روزگار ما درباره بسیاری از پدیده‌ها است. در جهانی که ما زندگی می‌کنیم «عقلانیت رفتاری» مهم‌تر از جهان پیشین است. عقل محاسبه‌گر شهروندان جهان امروز بر «مصلحت» تأکید بیشتری دارد.



■ «خردمندی تئوریک» کافی نیست. یک باور درست و سازگار با عقل، اگر نتواند در میدان عمل خود را به ارائه‌های عقلانیت رفتاری بیاراید، پذیرش عمومی را از دست می‌دهد. یک عقیده، هر چند که با هزار توجیه عقلانی موجه نشان داده شود ولی در مقام اجرا و عمل نتایج زیانباری داشته باشد، یا به گونه‌ای زیانبار و غیرعقلانی اجرا شود، از کشش لازم برای دیگران برخوردار نیست.

■ امسال که مسئولان بهداشت و درمان کشور، اعلام کرده‌اند به دلیل فراگیری بیماری کرونا و احتمال شیوع بیشتر آن از طریق اجتماعات گسترده، بهتر است عزاداری‌ها با محدودیت‌ها و همان دستورالعمل‌های پیشگیری از این بیماری برگزار شود، «خردمندی رفتاری» ایجاب می‌کند که به خواست ستاد مبارزه با کرونا تن دهیم و جامعه خویش را با چالش عزاداری‌های بیشتر و با داغ‌دیدگی‌های گسترده‌تر روبه‌رو نکنیم.

■ برای ما ایرانی‌ها سوگواری برای اولیای دین رفتاری خردمندانه و مستند به عقل و دین است. با این حال، حتی این آیین نیز اگر از خردمندی در میدان عمل فاصله بگیرد می‌تواند «حمایت و جدان جمعی» را از کف بدهد. مصلحت عمومی و حفظ نظام اجتماعی ایجاب می‌کند که سنت درخشان سوگواری به گونه‌ای برگزار شود که اصل بقای جامعه و سلامت شهروندان تهدید نشود.

■ فرق اساسی میان اسلام عقلانی و داعش در این است که اولی براساس لزوم خردمندی و عقلانیت در مقام عمل، همواره معتقد بوده است که فهم درست حکم خدا کافی نیست؛ بلکه برای عملی کردن حکم خدا باید «خردمندی» داشت. خردمندی مؤمنانه ایجاب می‌کند که برای امام حسین علیه‌السلام جوری عزاداری کنیم که عزایی نیفزاییم.

■ این روزها نهاد درمان کشور عمیقاً درگیر مبارزه با ویروس است که استعداد زیادی در گسترش دارد؛ کادر درمان کشور و بسیاری از نهادهای دیگر شبانه‌روز درگیر کنترل دامنه و حوزه فعالیت این بیماری هستند؛ شمار زیادی از مشاغل متأثر از این بیماری تعطیل شده‌اند، خانواده‌های زیادی داغدار شده با نگران وضعیت سلامت خود هستند؛ در این شرایط «خردمندی مؤمنانه» آن است که سوگواری به گونه‌ای اجرا شود که در نهایت به گسترش این بیماری دامن نزند و درگیری بیشتری برای کادر درمان پدید نیآورد.

## ■ سوگواری با خردمندی عملی

سوگواری برای امام حسین علیه‌السلام یک سنت دینی سازگار با عقل و وجدان بشری است. این گونه از عزاداری برای ما ایرانی‌ها از هر علاقه سیاسی، مذهبی و اجتماعی بالاتر و پذیرفتنی‌تر است. هیچ وقت نمی‌توان آن را از هویت ایرانی‌ها جدا کرد. ما ایرانی‌ها آن را با فرهنگ و روحیه خود سازگار یافته و تمایلات تاریخی خود را در آن دنبال می‌کنیم. حتی در دوره‌هایی که حاکمان این سرزمین به هر دلیل خواسته‌اند با آن برخورد کنند و آن را به حاشیه ببرند و از حوزه عمومی حذف کنند، باز هم ایرانی‌ها روضه و عزا برای امام حسین علیه‌السلام را از طریق مجالس ختکی بازآفرینی کرده‌اند.

برای ما ایرانی‌ها سوگواری برای اولیای دین رفتاری خردمندانه و مستند به عقل و دین است. با این حال، حتی این آیین نیز اگر از خردمندی در میدان عمل فاصله بگیرد می‌تواند «حمایت وجدان جمعی» را از کف بدهد.

امسال که مسئولان بهداشت و درمان کشور اعلام کرده‌اند به دلیل فراگیری بیماری کرونا و احتمال شیوع بیشتر آن از طریق اجتماعات گسترده، بهتر است عزاداری‌ها با محدودیت‌ها و همان دستورالعمل‌های پیشگیری از این بیماری برگزار شود، همان خردمندی رفتاری ایجاب می‌کند که به خواست ستاد مبارزه با کرونا تن دهیم و جامعه خویش را با چالش عزاداری‌های بیشتر و با داغ‌دیدگی‌های گسترده‌تر روبه‌رو نکنیم. مصلحت عمومی و حفظ نظام اجتماعی ایجاب می‌کند که سنت درخشان سوگواری به گونه‌ای برگزار شود که اصل بقای جامعه و سلامت شهروندان تهدید نشود.

این روزها نهاد درمان کشور عمیقاً درگیر مبارزه با ویروس است که استعداد زیادی در گسترش دارد؛ کادر درمان کشور و بسیاری از نهادهای دیگر شبانه‌روز درگیر کنترل دامنه و حوزه فعالیت این بیماری هستند؛ شمار زیادی از مشاغل متأثر از این بیماری تعطیل شده‌اند، خانواده‌های زیادی داغدار شده با نگران وضعیت سلامت خود هستند؛ در این شرایط «خردمندی مؤمنانه» آن است که سوگواری به گونه‌ای اجرا شود که در نهایت به گسترش این بیماری دامن نزند و درگیری بیشتری برای کادر درمان پدید نیآورد.

فرق میان اسلام ناب و داعش تنها در اعتبار فهم یا خردمندانه اندیشیدن نیست؛ اگرچه مشاجرہ بر سر درستی فهم، می‌تواند آغاز یک مشاجرہ خونین باشد ولی فرق اساسی میان اسلام عقلانی و داعش در این است که اولی براساس لزوم خردمندی و عقلانیت در مقام عمل، همواره معتقد بوده است که فهم درست حکم خدا کافی نیست؛ بلکه برای عملی کردن حکم خدا باید «خردمندی» داشت؛ خردمندی مؤمنانه ایجاب می‌کند که برای امام حسین علیه‌السلام جوری عزاداری کنیم که عزایی نیفزاییم.

## حقیقت عشق

در ثنای حُسن و حُزن و حماسه

دکتر حسن بلغاری فهی

استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران

بدون تردید واقعه کربلا یکی از بی‌نظیرترین و ممتازترین عرصه‌های ظهور عشق و حماسه در تاریخ انسان است. گرچه حقیقت حماسی و پرشور آن، در سایه سار درد و اشک و آتش و خونش، همواره در محاق بوده و لاجرم سوگ، بر حماسه نفوذ یافته، لیک از این‌رو که این حزن در صورت رشادت و دلیری و جنگ‌آوری ظهور یافته، در بطن و ذات خود پرورانده روحیه عشق و حماسه و خون در جان هر آزاده و آزادیخواهی در عالم بوده که جان خویش را صادقانه در معرض شنود حقیقت آن قرار داده است. کربلا در حقیقت جوهری خویش، همنشینی توأمان حزن و حسن و عشق و حماسه است. از یک سو در صورت و سیمای آن، فریاد بلند «هیاهات من الذله» سردار بلند قامت آن و از سوی دیگر ظهور بی‌مانند اشک و آتش و خون. به تعبیر عطار:

سه ره دارد جهان عشق اکنون  
یکی آتش، یکی اشک و یکی خون  
کربلا محمل و میدان ظهور عشق و حزن و حماسه و زیبایی است.

۲ شیخ اشراق در رساله «فی الحقیقة العشق» خود از همسازی و همراهی عشق و حُسن و حُزن می‌گوید و روشن می‌کند چرا باید میان این سه معنای جلیل، همراهی و همسازی باشد. در فصل هفتم رساله خود، زلیخا از عشق می‌پرسد چه شد به مصر افتادی؟ عشق می‌گوید: ما سه برادر بودیم برادر مبین را «حُسن» خوانند و ما را، او پرورانید. برادر کهین را «حُزن» خوانند و او بیشتر در خدمت من بود. ما چون آوازه آدم را شنیدیم جان او را محمل و منزل ظهور خود یافتیم فلذا در جان او مسکن گزیدیم.

اما شیخ اشراق همچون تمامی عارفان و حکیمان اعتقاد دارد از این سه برادر، «حُسن» هماره در صورت عشق ظاهر می‌شود و عشق البته حقیقتی بس رازناک و متحیر دارد. باز به تعبیر شیخ: «عشق گرچه جان را به عالم وفا می‌رساند. تن را به عالم فنا بازارد زیرا که در عالم کون و فساد هیچ چیز نیست که طاقت بار عشق تواند داشت» و خوش‌تر آنکه این به فنا آوردن تن در صورت و سیمای حماسه باشد و در میدانی به وسعت تمامی تاریخ و تمامیت ارض:

«کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»  
کربلا محصول امتزاج حُزن و حُسن و عشق است به همین دلیل هویتی فرازمانی و فرامکانی دارد. هر یومی از ایام، ذکر و یاد کربلا است در وحدت حُزن و حُسن و خُب در جان انسان و هر زمینی مستعد ظهور حماسی آن. پس می‌بایست توازنی باشد میان حزن و حُسن و حماسه عاشورا. حزن نباید چنان میدان‌داری کند که حماسه سایه‌نشین آن شود و مظلومیت جایگزین رشادت شود و عزت جای خود را به خفت دهد و اشک جای خون بنشیند. همان‌گونه نباید صورت حماسی آن چنان بارکشد که سوگ عاشورا ظهور نیابد.

## کربلا محصول امتزاج

حُزن و حُسن و عشق

است به همین دلیل

هویتی فرازمانی و

فرامکانی دارد. در

«فی الحقیقة العشق»

عاشورانمی‌توان جامه

حزن را از قامت رسای

حماسه عاشورا برکشید

و حماسه را بر اشک و

آتش و خون ترجیح داد

همچنان که نمی‌توان

حزن را چنان میدان

داد که غیرت و دلیری

را از جان عاشقان

برباید. در داستان کربلا،

حماسه، جمع «حُزن»

و «حُسن» و «خُب»

است. امکان تفریق

و تفکیک این عناصر

جوهری وجود ندارد. اما

باید بر حذر بود از این

تحریف که رکنی از ارکان

خیام و قیام عاشورا بر

ارکان دیگر تفوق یابد.

اگر رکنی از ارکان آن فرو

ریزد یا چون دیگر ارکان،

قائم و ایستاباشد از

همان نقطه امکان

تحریف و تدلیس عاشورا

فراهم می‌شود

۳ اینک به تمامی می‌توان حقیقت زیباترین، گویاترین و رساترین بیان در تأویل و تفسیر ذات عاشورا را از زبان زینب کبری سلام‌الله علیها دریافت که چون این زیاد به تفاخر و خمتی جاهلانه، خود و یزیدیان را عزیز خواند و عزیزترین بندگان خدا را ذلیل، از زبان نواده گرامی پیامبر، این پیام‌رسان بلند آفتاب کربلا، این چنین ظاهر شد که: «ما را یت الا جمیلا» یعنی ماجرای کربلا در صورت، حزن و درد و آتش و خون بود در سیرت اما آیت جمیل کبرایی بود از عشقی جاودانه میان عابدان و سلحشورانی عاشق با معبودی جمیل و «محب الجمال». این بدان معناست که خدا خود عاشق عاشورا است و اگر نبود این معنا، چرا خونبهای حسین (ع) شد: السلام علیک یا ثارالله. کربلا در رزمز پاک عشق جوشید از این‌رو به تعبیر پیام‌رسانش به‌صورت جلال و جمال ظاهر شد و من متحیر که زینب در آن لحظه‌ای که تنها به جمله‌ای، باید تمامی حقیقت عاشورا را نه به یزیدیان و کوفیان که به تمامی تاریخ باز گوید، جز ما «رایت الا جمیلا» چه می‌توانست بگوید؟ جز کلمه بلند جمیل که (از جمله اسامی حضرت حق است و نامی است جامع) کدامین کلمه می‌توانست بار حماسه عاشورا را به دوش کشد؟ مگر زیبایی حاوی تمامی پاهی‌ها و حماسه‌های انسان نیست و مگر حُسن برادر مهتر حزن و خُب نیست؟ جز این معنا چه چیزی می‌توانست عمق جانبازی و عاشقی پاکترین بندگان خدا را باز گوید.

در رزمز عشق جز حُسن و جمال و زیبایی نبود و محال است عشق در پاک‌ترین و بی‌نظیرترین صورت خود که حُزن و خون و حماسه است ظاهر شود و غایتش جمال و کمال و حُسن نباشد.